بسمه تعالی

ایران عزیز



نادر حسن زاده

تاریخ نشر ۱۳۹۷/۹/۳۰. تاریخ بازبینی اول ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

hasanzadehr@yahoo.com

کیست به آینده ایران فکر نکند؟ آمریکا و اسرائیل بیش از همه برای آینده ایران فکر می کنند. اطاق فکر آنها بسیار قوی تر از اطاق فکر خود مردم ایران است. این دو قدرت منطقه ائی و بین المللی ایران امروز را بی نمی تابند! آیا این بخاطر اسلامی بودن ایران است؟ بخاطر بلندپروازی ایران است؟ بخاطر عدم رعایت اصول اولیه حقوق بشر ایران است؟ جهالت اعراب عقب مانده است؟ و یا بخاطر اینکه مردم ایران از وعده و وعیدها خسته شده اند و از عملکرد مدیران به ستوه آمده اند؟

یا نه همه اینها هست و اینهمه تنها دلیل مخالفت نیست.

ایرانی که مد نظر ماست از دسترس ما خارج است. فرمانبردار نیست. ساز خود را می زند و با ساز ما هم بعضا می رقصد. ایران قدیم بهتر از ایران امروز بود. روسای قبلی خیلی محترم بودند. با نزاکت بودند. پروتکل تشریفات بلد بودند. زبان بلد بودند. چند زبانه بودند. کمی هم محبوب ولی بیشتر مرعوب بودند. نصف ایشان پاسپورت و ویزای ما را داشتند. امروز هم البته دو تابعیتی کم نداریم. آن موقع می شد خاک ایران را دو نصف کرد. جنوب را داد به انگلستان و شمال را به شوروی سابق. ارتش و سازمان برنامه و بودجه هم که دست ما بود. **کشور به تمام معنا خنثی بود. مدافع اسرائیل و دشمن اعراب بود! جزو ایالت ۵۱ام آمریکا بود. بیشتر به نفت و ساواک معروف بود. ارتش قوی داشت، تجهیزات به روز داشت. فرمانده قوا داشت، اما اختیار خود را نداشت.**

از این رو، در روز مبادا و در بزنگاه تاریخ یک نفر هم همراه شاه و پدر شاه نبود! با کودتا می آمدند و با انقلاب می رفتند. کشور برای خیلی ها مثل هتل چند ستاره بود. البته برای مختلسین امروز هم ایران بهشت برین است. کاخ دارند به چه بزرگی، ویلا دارند به چه وسعتی، دلار را دارند به چه نقدینگی! هزینه اعضای خانواده ایشان در خارج از کشور به ده ها هزار دلار در ماه می رسد. اما این مقدار برای ما کافی نیست. نجوم شما قوی نیست. درست است درآمدهای نجومی دارید اما محاسبات نجومی ما را ندارید. به فرمایش ما بود که تیمسار جم در برنامه آقای لیمونادی (۱۳۹۶/۱۲/۲) از آن گلایه داشت:

ارتش در انقلاب۵۷، کاری نمی توانست بکند. زیرا دستور از طرف شاه فقط صادر می شد. از گروهبان تا ارتشبد هیچ اختیاری نداشتند. در موقعیت های حساس کسی نبود تصمیم بگیرد.....

این حسرت نفوذ هنوز به دل ما مانده است. این ایران هم رشد می کرد، هم خرج و مخارج ما را می داد و هم برای ما هزینه و دردسر نداشت. ما برای آن خیلی زحمت ها کشیده بودیم. مردم رفاه نسبی داشتند. همه مدارس تغذیه رایگان داشتند. جوانان عیش و نوش در کاخ جوانان داشتند. مخالفین هم جرات نفس کشیدن نداشتند. حرف می زدند می گفتیم بیائید پاسپورت بگیرید و از کشور خارج بشوید. حرف زیادی ممنوع. دعوت به کاخ سفید هم برای ایشان افتخار بود. خدا می داند چند نفر از سران فعلی هم اگر به کاخ سفید دعوت نشوند در جا سکته می کنند. گربه رئیس جمهور هم بمیرد پیام تسلیت می فرستند! به هر مناسبتی خود را به واشنگتن می رسانند تا اظهار ادب و ارادت بکنند! این سران را می شود از دور هم کنترل کرد! با یک تلفن جنگ را شروع می کنند و با یک تلفن متوقف می شوند. ایرانی با اوج بلند و موج بلند قابل پذیرش نیست. چنین کشوری

با معیارهای ناشناخته برای جامعه بین المللی قابل پذیرش نیست. برای منطقه هم مضرر است. به مثابه سم مهلک برای سلطان نشینان است. این کشور آخر سر هم خود را نابود می کند و هم ما را. او یاد گرفته از ما دستور نگیرد! صف را هر موقع خواست به هم بزند. جنگ تحمیلی را تکمیلی بکند! و یک وجب خاک را هم از دست ندهد (البته به مشیت خدا)! خود را واکسینه بکند و روش واکسیناسیون صحیح را به دیگر ملت ها آموزش بدهد! بیشتر با ملتها کار بکند تا دولت ها!

تنها نقاط ضعف او کار نکردن با ملت است! انتخاب اصلح است. توزیع عادلانه ثروت است. رفع موانع ازدواج و بیکاری است. انباشت مطالبات مردم است. سئوال نکردن از مردم است. نراندن خودیهای بیخود است. و اینها برگ های برنده ماست. دست برتر ماست.

وگرنه او دوست دارد در همه جمع ها حاضر باشد. حق رای داشته باشد. سری بین سرها بیرون بیآورد. در صلح یمن باشد! در صلح سوریه باشد! در صلح افغانستان باشد! در انتخابات لبنان و عراق موثر باشد! در بزنگاه ها برنامه های راهبردی ما را با شکست روبرو سازد. بطورمثال، چقدر تلاش کردیم کردستان را مستقل و کریدور اسرائیل و کردستان را بوجود بیآوریم. او با ترکیه همکاری کرد و این نقشه خوش دست را نقش بر آب کرد.

این وضعیت قابل قبول نیست. باید دست و پایش را برید و پاهایش را از گردن آویزان کرد. تا عبرت دیگران باشد.

اینقدر خبرسازی می کنیم که تولید خبر از ایران بیش از سایر کشورهای دنیا و تحریم علیه ایران جمع همه تحریم های دنیا باشد. ایران خطر است. خطر بالقوه است. برای خود دوستانی دارد. برای خود نقشه هائی دارد. نمادی از نمادهای پیشرفت دنیای پسابرجام است. این ایران می تواند هم مردم خود را راضی کند و هم مردم عرب را. این ایران نزدیک اسرائیل است. مرز سوریه است. اعراب حتما در آینده به این ایران احتیاج خواهند داشت. اگر تبلیغات فروکش کند و ظلم ها آشکار بشود و نسل بعدی در هر دو سوی به کمال خود برسند، به تفاهم کامل برسند. حتما کاری جز امروز خواهند کرد. حتما سرمشق ملل دیگر خواهند شد. تا ما ضعیف نشدیم و تا اسرائیل تهدید جدی نشده است باید ایران را تحت فشار گذاشت و به دیگر رقبای دور و نزدیک خود پیغام مشابه داد.

کشور ما دیگر مرز ندارد. مهاجر پذیرترین است. مرز مکزیک پیشکش دیوار چین هم به ما کمک نمی کند. غفلت زیاد کردیم، طمع زیاد کردیم، به این روز افتادیم. حساب و کتاب کشور از دست ما خارج است. هر روز یک مقامی حکم جلب می گیرد. به بهانه رشوه، اختلاس، رسوائی جنسی، فرار مالیاتی، حق سکوت، کتمان کردن حقایق، لو رفتن اطلاعات طبقه بندی شده و از همه مهمتر دخالت روسیه در انتخابات اخیر ریاست جمهوری آمریکا که به پیروزی آقای ترامپ منجر شد. نکند عمر قدرت موثر ما روبه افول است؟ نکند کشور ما در آینده به دست مهاجرین دو رگه یا چند رگه اداره شود؟! نکند انتخاب آقای اوباما و ترامپ بعنوان روسای جمهور از سر استیصال بوده باشد؟ نکند اداره کشور با خیر الموجودین باشد؟ برای تصویر پشت و روی اسکناس های دلار چه تصاویری مقبول است؟ نکند در فقدان ژنهای برتر آمریکا، ملت های جهان از قدرت باشکوه ما فاصله بگیرند؟

زوال اینست

آینده آمریکا و اسرائیل اینست

زنگ بزنند رفتند

جنگ بکنند رفتند

اسرائیل حق دارد با درک شرایط فعلی به سراغ حکام وابسته عرب برود. به سراغ بانیان خود برود. از بانیان خود باج خواهی بکند زیرا او کیسه بوکس منطقه در این مدت ۷۰ سال اشغال سرزمینهای فلسطین بوده است. کانال ارتباطی بین اعراب و غرب بوده است. حسگر شروع جنگ بوده است. کانال مالی ویژه بین اعراب و غرب بوده است. پول نفت در خزانه این دولت ها وقتی از حد می گذشت جنگ جدیدی در خاورمیانه روی می داد. پول که از زیر سنگ در نمی آمد از درون چاه های نفت بیرون می آمد. یک نفر باید محاسبه بکند در این ۱۰۰ سال چقدر نفت فروخته شده است؟ چقدرش نصیب کشورهای تولید کننده نفت شده است و چقدرش نصیب کارتل ها و تراست های بین المللی نفتی شده است؟ چقدر ساخته های ما پا برجاست؟ و چقدر ساخته های ایشان تل خاکستر شده است. چقدر ما نوسازی کل کشور کردیم و چقدر آنها ساختند و باختند؟ خام فروشی برای ایشان راحت طلبی بود. بیماری نبود اعتیاد بود. بیچاره ها هم باید نفت مجانی می دادند و هم اشک و خون و خاک و آوارگی. زمامداران ایشان هم بیشتر کودتاچی بودند. هم از بیت المال می دزیدند. هم ملت خود را سرکوب می کردند. بعضا هم ناپرهیزی می کردند و رقیبان را سر به نیست می کردند!

از بس که به هیچ کس اعتماد ندارند. به هر که بیشتر اعتماد کردند بیشتر از او خوردند! در چنبره قدرت ایشان گرگان در لباس میش زیاد هستند. بادمجانیان دور قاب چین فراوان هستند. در شرایط عادی بظاهر نیمچه آدم هستند در شرایط بحرانی کلی خوابند و کلی گاوند. ترسوهای بنام هستند. پاسپورت بدست آماده خروج هستند. محال است بتوانند همزمان برای کشور مبدا و مقصد دلسوزی کنند.

نیمی آدم

نیمی ماتم

کلی آدم

کنج عالم

بر شماری کمترین اند

چند شماری کمترین اند

خوب نباشند خودترین اند

بدترین بدترین اند

روزگاران این چنین اند

خوب ترین ها زیر خاک اند

آقای خلعتبری در این باره به تلویزیون بی بی سی می گفت (تیر۱۳۹۶) یکی از علل سقوط شاه این بود که وزرا ۱۶-۱۵ سال پست های مختلف را اشغال می کردند... مردم از چهره ها خسته می شدند و نکبت جایگزین نفرت می شد.

فرمول بسیار ساده است:

خدا- مردم= انقلاب.

شاه –بدون مردم= کودتا.

خدا-شاه-میهن= دیکتاتوری.

نظام مردمی= عروج.

نظام فرمایشی= فرود

دوستان نادان زیاد هستند. دوستان دانا در حاشیه هستند. دشمنان روی دوستان نادان حساب باز می کنند. فرهنگ زدائی با ایشان است. دین زدائی بدست ایشان است. اولش مقاومت است. بعدش تکذیب است. آخرش تسلیم است. تسلیم هم فرمول فرمانبرداری تام است.

تا ابد نوکر تو نوکر ارباب تو هم هستیم

ارباب هستیم

نوکر هستیم

نوکر نوکر هم هستیم

هیچکس حوصله جنگ با ایران را ندارد. زیرا در ۴۰ سال، تحمیل دو جنگ فرسایشی هزینه بر است. غیراخلاقی است. تبعات وحشتناک دارد. باتلاقی است که پای دشمن بیشتر گیر است. جنگ مشارکتی هم جواب نمی دهد. پس چه باید کرد؟ باید نفوذ کرد. باید به روند افزایش گردان های پیاده نظام بومی کشور امیدوار بود. ملت گرسنه باشند قیام می کنند. جوان بیکار باشد بیداد می کند. هنر ما تحریم ایران است. در واقع تحریم مستقیم مردم ایران و غیر مستقیم مقامات ایران. تحریم ها رصد روزانه می شوند. انعکاس به موقع می شوند. ده ها رسانه ماهواره ائی و دیجیتالی یک خبر از کشور میزبان و ده ها خبر از ایران ارائه می دهند. با رنگ و لعاب هم می دهند. با رقص و آواز هم می دهند. با کارشناسان خبره می دهند. باید کاری کرد که جوانان

این ملت دوست را از دشمن اشتباه بگیرند. دشمن دوست را بیشتر بپسندند. باید دعا کرد اشتباهات لفظی و فعلی مقامات که الاماشالله است بیشتر از این هم بشود. خطا بیشتر- ضربات کاری تر.

باید نگذاشت هر دو طرف به ۳۹ ویل خدا گوش فرا بدهند و از آن تبعیت بکنند (وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ- وای بر کم‌فروشان/ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ- وای بر نماز خوان‌ها/.....). باید فکر کنند جاودانی هستند. مردم گوساله پرست نشدند حتما سگ پرست می شوند. حتما مقام پرست می شوند.

دل مومن خالی کردن دشمنان:

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ- هر آینه نجوا کردن کار شیطان است که می خواهد مؤمنان را محزون کند و حال آنکه هیچ زیانی، جز به فرمان خداوند، به آنها نمی رساند و مؤمنان باید که بر خدا توکل کنند (مجادله/۱۱)

دوستی با یهود:

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ- آن منافق مردمی را ندیدی که با قومی (یهود) که خدا بر آنها غضب کرده است دوستی کردند؟ آنها به حقیقت نه از شما مسلمین و نه از فرقه یهودند و به دروغ قسم یاد می‌کنند (که ما اهل ایمانیم) در صورتی که خود می‌دانند خدا بر آنها عذابی سخت مهیّا کرده، زیرا بسیار زشت کردارند (مجادله/۱۵-۱۴).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُم مِّنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَن تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِن كُنتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنتُمْ وَمَن يَفْعَلْهُ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ- ای کسانی که ایمان آورده اید، دشمن من و دشمن خود را به دوستی اختیار، مکنید شما با آنان طرح دوستی می افکنید و حال آنکه ایشان به سخن حقی که بر شما آمده است ایمان ندارند و بدان سبب که به خدا، پروردگار خویش ایمان آورده بودید، پیامبر و شما را بیرون راندند گاه که برای جهاد در راه من و طلب رضای من بیرون می روید، در نهان با آنها دوستی می کنید، و من به هر چه پنهان می دارید یا آشکار می سازید آگاه ترم و هر که چنین کند، از راه راست منحرف گشته است (ممتحنه/۱).

گوش ندادن به حرف منافقین. رفتار مشابه یهودیان با منافقان و امید دادن خدا به مومنین:

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ - اوست کسی که از میان اهل کتاب کسانی را که کفر ورزیدند در نخستین اخراج از مدینه بیرون کرد گمان نمی کردید که بیرون روند و خودشان گمان داشتند که دژهایشان در برابر خدا مانع آنها خواهد بود ولی خدا از آنجایی که تصور نمی کردند بر آنان

درآمد و در دلهایشان بیم افکند به طوری که خود به دست خود و دست مؤمنان خانه های خود را خراب می کردند پس ای دیده‌وران عبرت گیرید (حشر/۲).

این سوره و این آیه به داستان یهودیان بنی النضیر اشاره دارد که بخاطر نقض پیمانی که با مسلمین بسته بودند محکوم به جلای وطن شدند. و نیز به این قسمت از داستان اشاره دارد که سبب نقض عهدشان این بود که منافقان به ایشان وعده دادند که اگر نقض عهد کنید ما شما را یاری می کنیم، ولی همین که ایشان نقض عهد کردند، منافقین به وعدهای که داده بودند وفا ننمودند.

جالب است این توفیق الهی مجانا نصیب مسلمانان شد. اینقدر مفت که خدا ملک و غنائم بدست آمده را به رسول خدا اختصاص داد. بدین جهت به آن جناب اختصاص داد و شما مسلمانان را در آن سهیم نکرد که در گرفتن قلعه آنان مرکبی سوار نشدید، و به خاطر اینکه راه قلعه تا مدینه نزدیک بود پیاده بدانجا رفتید، و خدای تعالی پیامبران خود را بر هر کس بخواهد مسلط می سازد، و خدا بر هر چیزی قادر است.

عبرت ها:

دغدغه دنیای وانفسا سهم خواهی از طریق لابگری ها است. کلی محفل در دنیا هست. همه برای سودجوئی بیشتر. برای بدنامی و ناکارآمدی رقیبان و کمتر برای اصلاح امور. لابیهای ضد ایرانی در دنیا و در خود ایران کم نیستند. کل تضاد لابی های غیرخودی با لابی های خودی در امور مالیه و مصدرنشینی است. چرا او بخورد من نخورم؟ چرا او رئیس باشد من نباشم؟ چرا او روی آنتن باشد من بی آنتن؟ چرا او کاخ به کاخ بشود من بی کاخ؟ باید کاری کرد. ولش کنیم خورده. ولش نکنیم برده! پس اول ببینیم تا کجا خورده و تا کجا برده. بعد تکلیف خود را با او یکسره کنیم.

شیوه روسای جمهور قبل از آقای ترامپ (آقای اوباما) ایجاد یک پنجری ریز در لاستیک تیوپلس ایران بود. پنجری که سوراخش ریز بود اما به مرور کار خود را می کرد. چپ نمی کرد حتما متوقف می شد.

اما سیاست ترامپ سیاست انتظار نبود. بیشتر کمک به پاره کردن لاستیک کم باد بود. زیرا بعینه می بیند او با پنجر و بدون پنجر هم راه خود را ادامه می دهد. تحصیل کرده های زیادی دارد. همه یک تنه یک سیاستمدار مبرز هستند. کافی است بگوئی ف او بگوید فرحزاد. لذا این مردم دیکتاتوری را بر نمی تابند. پس چه باید کرد؟ نه سیخ بسوزد و نه کباب! مردم اندکی به آینده خود امیدوار باشند. ما هم به امیال خودمان برسیم.

باید از شر جنگ های فعلی فارغ شد. باید دست و پای ایران را در منطقه برید. تا شیر بی یال و کوپال باشد. تا روز صدای او به گوش کسی نرسد. از کجا باید شروع کرد؟ ابتدا از یمن. بعد سوریه. بعد لبنان. بعد افغانستان. بعد عراق. آخر سر هم خود ایران!

این اواخر صحبت آقای ترامپ این بود ببینیم ایران از یمن خارج می شود؟ امروز امیدوار شده است صلح یمن پایدار است (۱۳۹۷/۹/۲۸). پس اعلام می کند از سوریه هم خارج می شویم. این نظر همه دنیا را مبهوت خود کرد. اما او مدعی است کار

داعش را او در سوریه تمام کرده است! و چون داعش مشکل منطقه است کنترل آن بر عهده سوریه و ایران و روسیه است. دو روز پیش آقای نتانیاهو اخطار می کرد: موجودیت اسرائیل به خطر بیفتد ما به ایران حمله می کنیم (۱۳۹۷/۹/۲۷). بعد گفت آمریکا از سوریه خارج بشود حمله ما به قوای ایرانی در سوریه تشدید خواهد شد. چنین هم کرد. امروز رئیس ستاد ارتش اسرائیل دولت جدید جو بایدن را تهدید می کند در صورت توافق هسته ائی با ایران جنگ اسرائیل علیه ایران در سال جاری حتمی است (۱۳۹۹/۱۱/۷). ایران هم در پاسخ می گوید: اینها جنگ روانی است. آنها عملاً نه برنامه‌ای دارند و نه توانایی دارند و نه از عهده این کار برمی‌آیند.

راه های نفوذ جدید آمریکا:

چرا اینقدر عجله برای پایان جنگ یمن، افغانستان و سوریه؟ زلمی خلیلزاد سفیر پیشین ایالات متحده آمریکا در افغانستان و نماینده ویژه واشنگتن در افغانستان می گوید آمریکا در تلاش اصلاح اشتباهاتش در افغانستان است. او می خواهد ره صد ساله را یک شبه طی کند! لابد بنام خدا! فکر می کند مشکل طالبان بمانند مشکل یمن است! جنگ ۱۷ سال افغانستان را هیچکس نمی تواند به این زودی حل بکند. مگر آنها را درگیر جنگ اسرائیل کرد! اکثر بازیگران منطقه این را می دانند دعوای قدرت در خاورمیانه در حد جنگ های صلیبی است! برای منطقه ائی که ثروت ملی، نفت و جنگ های رایج از جنس۷۲ ملتی است.

هیچ گلوله نقره ائی جادوئی (silver bullet) متصور نیست مگر رهبران بزرگ ظهور بکنند و بر قلب ها مسلط باشند.

آخ چقدر خوب بود در این دنیا رقیب نبود! قدرت دست من بود! آن دنیا هم بهشت من بود! قعر جهنم نصیب خر بود! این جمله آخر را درست گفتی. جهنم مال خران است. اما حیف که در هر دو دنیا حساب و کتاب است.. چینش موزائیکی نیروها در دنیا برای حفظ زمین از چیرگی دائمی نفوس پلید است (وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ- و اگر خدا برخی مردم را در مقابل بعضی دیگر بر نمی‌انگیخت فساد روی زمین را فرا می‌گرفت، و لیکن خدا، خداوند فضل و کرم بر همه اهل عالم است). آن دنیا هم، آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است.

جنگ و صلح یمن است

ساده ترین فرمول جنگ

ساده ترین فرمول صلح

جنگ مکاره، یمن

صلح صد کاره، یمن

این برد را ما بردیم

نصف یمن را بردیم

نصف دیگر را خوردیم

اینهمه قتل سیاه

تا که من دست سیاه

تا که من خاک سیاه

خون او می رود از جوی حجاز

عمر من می رود از بوی پیاز

این چنین جنگ کنیم رود فرات

دجله یادش نرود روز سیاه

جنگ هشت ساله و صدساله نبود

جنگ صد پاره به ما داده سیاه

صلح هفت روزه به او داده خدا

امروز از جنگ یمن آزاد شدم

هم سلاح با ما بود

هم سهام با ما بود

حُدَیّدِه نام ملل مال من است (کنترل کامل شهر حدیده و سه بندر حدیده، رأس عیسی و صالیف به سازمان ملل متحد سپرده شده است)

صنعا مال من است مال خر است

جنگ یمن هیچ نبود

سود سودای دگر

دگران هم رفتند

ما هم برویم

خرکی رفته به جنگ

خرکی خورده زمین

خر ما هم که نبود

خر خود هم که نبود

خودسری بود به خر

جنگ سوریه بپاست

هفت سال است که بپاست

مردمان کشته شدند

مهربان مرده شدند

همه بودند به دو جنگ

جنگ ایران و عراق

جنگ بیداد یمن

جنگ اعراب و عرب

باید از سور بروم (خبر فوری: آمریکا می‌خواهد در یک طرح زمان‌بندی‌شده ۶۰ تا ۱۰۰ روزه نیروهای نظامی خود را از خاک سوریه خارج کند)

باید از دور بروم

اولش من بروم

بعدش ایران برود

روس بخواهد برود یا نرود

ایران اما باید برود

اسرائیل در خطر است

سود خواستند بدهم

سود و زیان هم بدهم

به اسد مژده دهید کاخ پدر خانه اوست

پدری یا پسری خانه دوست خانه اوست

در دولت به تو باز است اسد

باز باز هم که نبود بر تو زیاد است اسد

رفقا را تو بپا

اسرائیل را تو بپا

روس حافظ توست

ایران حامی توست

دگران غافل توست

....

به من این عمر اینگونه گذشت (عمر ۶۵ ساله)

نصف عمر تو گذشت

نصف دیگر چه گذشت؟

غم ایران بخوریم

غم خود را بخوریم

غم مردم بخوریم

هرچه دادند بخوریم

گفتم از مام وطن

گفتند نداریم خبری

گفتم ببرم خانه خود

گفتند نداریم وطنم

گفتم این نام من است

یار من است

ملک فرحزاد من است

سهم من از پدر و از پسر است

تیر سخت خورده ولی

تیر دگر کم نخورد

پیر پیر هم که ندارد نخورد

خطرات است وطنم

حضرات است وطنم

فخر من مردم من

مردم میهن دل من

اسم رمز را ندهند دست سیه کار وطن

اسم اعظم بکند

کار گلستان وطن

هر که گفت غصه من انسان است

هرکه گفت مذهب من مشتاق است

هرکه گفت نام وطن سرباز است

هرکه خورد نام وطن سربار است

کم نگفتیم نبازید وطن

کم نبودند که باختند وطن

ندهید دست پلید

ندهید دست لئیم

ندهید دست خبیث

ندهید دست کثیف

دست ها رو شده است

روی دست دست خداست

دست خدا حرف خداست

گوشه دارد بسیار

بیش تر از این هم بسیار

این وطن اوج ندارد چه کنم؟

موج موج است وطنم من چه کنم

شاید این بار به جائی برسد

مرز ایران قدیم هم برسد

دردمند درد علی است

آسمان مهر نبی است

مشهد هم منظر ماست

شهدا مبدع ماست

منتظر تا برسد

جمع مطلوب زمین